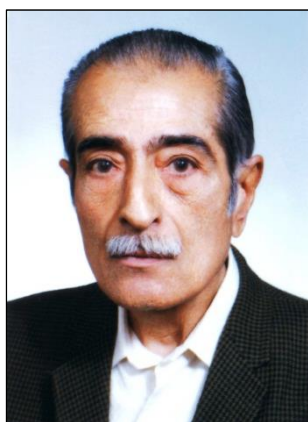




## به یاد استاد هوشنگ اعلم

شمامه محمدی فر<sup>۱</sup>



هوشنگ خان اعلم در سال ۱۳۰۷ در تهران به دنیا آمد. پدرش، نصرالله خان اعلم السلطنه، و عمویش، ممتاز الأطباء، از فارغ‌التحصیلان دارالفنون بودند. او تا پانزده سالگی، زبان فارسی و فرانسوی و خطاطی را از پدر آموخت اما با اجباری شدن قانون تحصیلات ابتدایی، وارد مدرسه شد و گواهینامه تحصیلات ابتدایی فرانسه و دیپلم ادبی را دریافت کرد. استاد اعلم در سال ۱۳۲۹ مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دریافت کرد و همزمان و برای امرار معاش دوره لیسانس آموزش زبان را در دانشسرای عالی گذراند. پس از فارغ‌التحصیلی به مدت دو سال در ساری مشغول تدریس شد. او پس از دریافت بورس وزارت فرهنگ برای تحصیل در دانشگاه میشیگان راهی آمریکا شد و در سال ۱۳۳۷ مدرک کارشناسی ارشد زبان انگلیسی را از این دانشگاه دریافت کرد. پس از بازگشت مجدداً او را برای تدریس به ساری برگرداندند تا اینکه به عضویت هیئت تحریریه ماهنامه فرهنگ وزارت فرهنگ درآمد و به تهران بازگشت. پس از تعطیلی این ماهنامه و در سال ۱۳۴۱ به عنوان کتابدار و مسئول مبادلات بین‌المللی در کتابخانه ملی مشغول به کار شد. در همان سال‌ها از طرف کتابخانه ملی برای گذراندن دوره‌های کتابداری به دانشگاه سیمونز اعزام شد و در سال ۱۳۴۶ مدرک کارشناسی ارشد کتابداری را از این دانشگاه دریافت کرد. همزمان با تحصیل در این رشته، در مقطع دکتری زبان‌شناسی و مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد پذیرفته

۱. بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، sh.mohammadifar@yahoo.com

و مشغول ادامه تحصیل شد و به دلیل علایق شخصی، در کلاس‌های دوره دکتری چهار رشته زبان‌شناسی عمومی، زبان‌شناسی توصیفی، مطالعات ایرانی و فیلولوژی عربی نیز حضور یافت. اما زمانی که مشغول نوشتن پایان‌نامه دکتری خود به راهنمایی پروفسور ریچارد فرای بود به علت فشارهای وزیر فرهنگ وقت و برای سامان دادن به وضعیت کتابخانه ملی ناچار به بازگشت به ایران شد. او پس از بازگشت هرگز به کتابخانه ملی فرستاده نشد بلکه به پیشنهاد وزیر وقت در فرهنگستان زبان مشغول به کار شد. وسواس علمی کم‌نظیر او در بررسی و نقد آثار دیگران باعث شد تا به درخواست خود از کار در فرهنگستان دست بکشد و به وزارت فرهنگ و هنر برود.

در سال ۱۳۵۸ و زمانی که مشغول تألیف کتابی چاپ‌نشده درباره فراگیری زبان فارسی برای غیر فارسی‌زبانان بود، حکم بازنشستگی اجباری‌اش با تنزیل مقام برایش فرستاده شد. استاد اعلم از سال ۱۳۶۸ در بنیاد دائرةالمعارف اسلامی مشغول به کار شد و مقالات متعددی در حوزه تاریخ علم، به‌ویژه در زمینه ادویه و عقاقیر برای چاپ در دانشنامه جهان اسلام تألیف و ترجمه و برخی کتاب‌های مهم این حوزه را نیز برای کتابخانه بنیاد دائرةالمعارف اسلامی فراهم کرد. همزمان نیز مقالات متعددی برای دائرةالمعارف ایرانیکا تألیف کرد. مقالات گوناگونی که او در زمینه تاریخ علم، زبان و ادبیات فارسی،



کتابشناسی و کتابداری، فرهنگ و عکاسی به نگارش درآورده است به بیش از ۱۵۰ می‌رسد. برخی از مقالات تألیفی او در دانشنامه جهان اسلام در کتابی با عنوان جستارهایی در تاریخ علوم دوره اسلامی به چاپ رسید. در ۱۵ آذر سال ۱۳۷۹، برای ارج نهادن به خدمات ارزنده ایشان و رونمایی نمادین از نسخه پیش از چاپ این کتاب، در ۱۵ آذر ۱۳۷۹ در مراسمی در دانشگاه تهران، از طرف بنیاد دائرةالمعارف اسلامی و پژوهشکده تاریخ علم از او تقدیر به عمل آمد. همچنین در آذر ۱۳۸۵ انجمن آثار و مفاخر علمی از او قدردانی کرد. استاد هوشنگ اعلم در روز دوشنبه، ۷ خرداد ۱۳۸۶ این جهان را بدرود گفت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا در جوار دیگر تلاش‌ورزان عرصه ادب و فرهنگ ایران همچون مهرداد بهار، عبدالحسین زرین‌کوب، عباس زریاب خویی، و احمد تفضلی آرام گرفت. کتاب‌های شخصی او به کتابخانه بنیاد دائرةالمعارف اسلامی اهدا شد و در مجموعه‌ای به نام او نگهداری و استفاده می‌شود.

آنچه استاد اعلم را از دیگران ممتاز می‌کرد دقت فراوان و به عبارتی بهتر، وسواس علمی او، انضباط علمی، پرهیز از غلو و تعصب، وسعت معلومات و استفاده از حداکثر منابع معتبر و دست اول بود. به همین



دلیل به گفته مرحوم استاد ایرج افشار: «هرچه می‌نوشت معتبر بود». در عین حال او مردی بی‌تکبر و بی‌ادعا بود و اگر پاسخ سؤالی را نمی‌دانست فروتنانه اعتراف می‌کرد: «نمی‌دانم». سبک و سیاق نگارش مقالات دائرةالمعارفی او می‌تواند الگوی نویسندگان این حوزه باشد. او در مقدمه کتاب جستارهایی در تاریخ علوم دوره اسلامی درباره روش پژوهش و مقاله‌نویسی دائرةالمعارفی، اصول تألیفات روشمند خود را برای آگاهی پژوهشگران جوان حوزه تاریخ علم به تفکیک در چهار بخش کلیات، روش، محتوا و شکل آورده است که در زیر به صورت خلاصه آورده می‌شود:

### الف) کلیات

هر پژوهشگری که بخواهد کار خوب، اصیل و بدیع پدید آورد می‌بایست دست کم واجد این چهار خصلت باشد: کنجکاوی علمی، اشتیاق علمی، وجدان حرفه‌ای، و کمال‌طلبی. منظور از کمال‌طلبی آن است که پژوهنده نویسنده مقاله‌های دائرةالمعارفی می‌بایست به جنبه‌های گوناگون موضوع کارش اشراف داشته باشد تا بتواند به منابع اطلاعاتی مهم، ضروری و «دست اول» درباره آن موضوع دست بیابد.

### ب) روش

برای گزینش مهمترین مواد ضروری از میان منابع فراوان و تلفیق و تنظیم مواد برگزیده به صورت مقاله دائرةالمعارفی، باید روش (متد) معقولی را اتخاذ کرد. منظور از روش معقول آن است که انضباط و نظم مورد پسند عقل سلیم را در نگارش و ارائه مطالب رعایت کرد. برای نمونه در تألیف مقالات دائرةالمعارفی بهتر است این ترتیب و اصول در مقاله رعایت شود: تعریف یا تحدید ساده و روشنی از موضوع در آغاز مقاله، تقسیم مواد و مطالب به بخش‌هایی با وحدت موضوعی، نقل آرای پیشینیان با رعایت ترتیب تاریخی در ذکر مستندات، و استفاده از متن‌های اصلی به جای مراجعه به ترجمه آنها یا منابع دست دوم، و توسعه دامنه امکانات پژوهشی.

### ج) محتوا

چندی و چونی محتوای مقاله‌های دائرةالمعارفی بستگی دارد به نوع (عمومی، اختصاصی)، حجم و گاهی مخاطبان آن. از حیث حجم هر مقاله، این خود مقاله‌نویس است که باید محتوای مقاله خود را از نظر موضوعات، سطح دانش مخاطبان و سبک انشای مقتضی برای آنها تعیین کند. بدیهی است که باید به منابع دست اول مراجعه کرده و نیز از آوردن مطالب تکراری، سست، نامستند و انتحالی خودداری کند.

### د) شکل و سبک

شکل (زبانی) و سبک (نگارشی) مقاله‌های دائرةالمعارفی با دیگر نوشته‌ها متفاوت است. نویسنده این نوع مقالات باید سادگی را در نوشتنش رعایت کند. به این منظور لازم است با پرهیز از به کار بردن واژه‌ها و عبارت‌های نامأنوس، مهجور، فاضل‌مآبانه و عامیانه، درازنویسی و وجه مجهول افعال، احتراز از تعقید و تکلف، و استفاده درست و بجا از نشانه‌های نقطه‌گذاری، به فهم سریع و آسان مطلب کمک کند.